Archive of SID.ir

فصلنامه دانش حقوق عمومی/ دوره سیزدهم، شماره ۳ (پاییز ۱۴۰۳)، شماره پیاپی ۴۵، صفحات ۵۳ تا ۸۴

درآمدی بر بایسته‌های بودجهٔ فقرزدا

محمدرضا مرادیان نیری[۱*]، سید احسان رفیعی علوی[۲]

۱. دانشجوی کارشناسی‌ارشد حقوق عمومی، دانشکدهٔ حقوق، دانشگاه امام صادق (ع)

۲. دانشیار، عضو هیئت علمی گروه فلسفهٔ حقوق، دانشگاه باقرالعلوم (ع)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸

نوع مقاله: پژوهشی

DOI: 10.22034/qjplk.2024.1948.1753

چکیده

سند بنیادین مالی- اداری دولت، که از آن تحت عنوان بودجه یاد می‌شود، اینک در پرتو مطالعات جدید و مناسبات نوینِ حکمرانی و تنظیم‌گری جایگاهی اساسی و عالی‌رتبه یافته و دیگر کمتر نهاد و خدمت عمومی را می‌توان یافت که در بودجه بازنمایی نشده و احکام و ارقام متناسب خود را نیافته باشد. با این حساب، بودجه می‌تواند نقشی کلیدی و کم‌نظیر در تحقق اهداف دولت‌ها ایفا کند. از جملهٔ این اهداف فقرزدایی است که در آن می‌رود تا علل و عوامل تولید و تقویم و ترویج فقر از چهرهٔ جامعه، با نقش‌آفرینی از جانب دولت، زدوده شود. نوشتار پیشاروی به دنبال آن است تا با استمداد از روش فراتحلیل و استفاده از منابع کتابخانه‌ای و در پرتو مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای قابلیت‌ها و ظرفیت‌های ممکن برای تهیه و تنظیم بودجه‌ای فقرزدا را شناسایی کند و با ملاحظهٔ برخی توصیه‌ها و تجارب بین‌المللی و همچنین اسناد بالادستی داخلی به تبیین و تحلیل آن بپردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که برای نیل به فقرزدایی و بسطِ عدالت از طریق ابزار بودجه و احکام و ارقام آن می‌توان به راهبردهایی نظیر شفافیت بودجه، منطقه‌گرایی و محلی‌سازی، توزیع عادلانه و تقلیل یارانه‌های پنهان، هماهنگ‌سازی و وحدت‌بخشی نهادهای فقرزدا، و ... اشاره کرد. البته هر یک از راهبردهای پرداخته‌شده در پژوهش می‌طلبد تا به صورت مجزا و مفصل مورد مطالعه و مداقهٔ مستقل قرار گیرد و از طرفی جهت کاربست این راهبردها بر نظام‌های بودجه‌ریزی هر کشوری لازم است جغرافیای سیاسی و اداری دولت‌ها و نظریهٔ اقتصادی که در نظام حقوقی و مدیریتی آن‌ها جریان دارد مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژگان: بودجه، مالیه عمومی، فقرزدایی، عدالت اجتماعی، منطقه‌گرایی، شفافیت، یارانه پنهان.

دانشجوی کارشناسی‌ارشد حقوق عمومی، دانشکدهٔ حقوق، دانشگاه امام صادق (ع) (نویسندهٔ مسئول)

* **Email:** mrmoradian@isu.ac.ir

CC BY

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مقدمه

بودجه به مثابهٔ شاهرگ مالی و عملیاتی ادارهٔ جامعهٔ سیاسی و محلی برای تعریف و تدقیق درآمدها و هزینه‌های حکومت‌ها همواره از حساسیت و اهمیت بالایی برخوردار بوده است (پیرنیا، ۱۳۵۲: ۲۳۶). این ابزار در حکمرانیِ نوین متضمن منابع مالی متعلق به عموم مردم است و این اقتدارِ ارجمند اقتضا می‌کند تا مردم از نظم و سلامت مالی، نظارت، ثبات، شفافیت، و کارآمدی آن اطمینان لازم را به دست آورند. از طرفی در این سند حقوقی تدبیرِ تعادل و تراجیح میان دستگاه‌هایی که از بودجهٔ عمومی بهره‌مند می‌شوند و فراهم آوردن بستر پایش و پاسخگوسازی آن‌ها به مالیات‌دهندگان و رأی‌دهندگان از اهمیت و ظرافت خاصی بهره‌مند است (آذر و امیرخانی، ۱۳۹۵: ۵۷۲). این‌چنین است که بحث از چگونگی تهیه و تنظیم و تبویب بودجه و نظارت بر منابع و شیوهٔ مصارف و مخارج آن و از سویی دیگر تنظیم روابط و مناسبات میان قوای حقوقی و نهادهای سیاسی به هنگامهٔ اساسی‌سازی بودجه در قانون اساسی و صورت‌بندی حقوقی آن در قوانین عادی و مقررات از ارکان اساسی هر نظم سیاسی و نظام حقوقی به حساب می‌آید.

بودجه‌بندی یک تصمیم اداری بنیادین است و فراتر از خطابه‌های سیاسی[1] نشان‌دهندهٔ اولویت‌های واقعی و ترجیحات حکومت در عرصهٔ اجتماعی است (پورعزت و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۲). گویی در پرتو اعداد مشخص‌شده و احکام مصوب‌شده در بودجه است که روند و فرایند توسعه‌خواهی کشورها پی‌ریزی می‌شود و گسترهٔ فعالیت دولت‌ها و خدماتی که قرار است به مردم در مدت زمانی که بودجه دائرمدار آن است ارائه دهند معلوم می‌شود. از این رو می‌توان بودجه را مهم‌ترین ابزار در هدایت و کنترل فعالیت‌های دولت و مؤسسات عمومی دانست؛ آنجا که نبض مالی نهادهای یادشده را در دست می‌گیرد.

هرچند نحوهٔ تخصیص بودجه در نظم مالی کشورها، به‌خصوص در ایران، خود سهم به‌سزا و مجزایی در تحقیق نهایی بودجه‌های سالیانه دارد و به‌هنگامهٔ تحلیل و بررسی عملکرد و نتیجهٔ نهایی بودجه نمی‌توان از نقش تعیین‌کنندهٔ کمیت و کیفیت تخصیص بودجه غافل شد، همچنان این ساختار و بافتارِ بودجه و پیدا و پنهان‌های حاکم در این ابزار مالی است که جهت تصمیمات و سیاست‌های حاکمیت‌ها، چارچوب‌ها، و برنامه‌ها را معلوم و معین می‌کند؛ چنان که بودجه را آیینهٔ تمام‌نمای اقتصاد ملی می‌خوانند و مهم‌ترین رویداد اقتصادی کشور نیز تلقی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌کنند (امینی، ۱۳۸۷: ۴). از این رو، این برنامه به مثابهٔ خون زندگی‌بخش به حکومت (Wildavsky, 1964: 128) می‌تواند جایگاه بلندی در تحقق اهداف عالیهٔ دولت‌ها داشته باشد و مجرای مهمی برای تمهید و تسهیل پیشرفت و پیش‌رَوی دولت‌ها باشد. از جملهٔ این اهداف و چشم‌اندازها که می‌تواند در تاروپود بودجه تنیده شود و این تمنا را پیگیری کند تا احکام و اعداد مرقوم و معلوم بودجه بر اساس آن نضج یابد و به مثابهٔ غایتی تمام‌قامت سایهٔ خویش را بر ظرف و مظروف بودجه بگسترد نیل به تحقق عدالت اجتماعی، کاهش نابرابری‌های اقتصادی، از میان برداشتن زمینه‌های برپایی فقر در جامعه، و به تعبیری جامع‌تر فقرزدایی است؛ بدین نحو که بودجه عهده‌دار رعایت تناسب‌ها و استحقاق‌ها و شایستگی‌های متناظر با برپایی عدالت اجتماعی در ساحت اجتماع شود و آثار بودجه منجر به زدوده شدن و کاسته شدن فقر از چهرهٔ جامعه شود و رفاه اجتماعی و بهبود شرایط عمومی زیستِ همگانی را به ارمغان بیاورد. به تعبیری دیگر، چنین بودجه‌ای به منظور تعبیهٔ تدابیر و برنامه‌هایی در سیستم اقتصادی و اجتماعی طراحی می‌شود که به طور مستقیم بر کاهش فقر تأثیرگذار باشد.

کانونِ محوری پژوهش حاضر، جایی که نوآوری آن نیز هویدا می‌شود، توجه به این ابزار مؤثر مالی به مثابهٔ وسیله‌ای در خدمت آرمان فقرزدایی است و عهده‌دار آن است تا به روش کتابخانه‌ای و از منظری توصیفی و تحلیلی و با استمداد از شیوهٔ فراتحلیلی[۲] ضوابط و شرایط دستیابی به بودجه‌ای فقرزدا را در پرتو مطالعهٔ آثار و پیشینهٔ علمی مرتبط، توصیه‌ها و تجارب بین‌المللی، و همچنین قوانین داخلی نظام حقوقی ایران دریابد؛ نوشتاری که حاکی از کوشش و تلاشی است برای نحوی هم‌افزایی میان‌رشته‌ای با محوریت بودجه در میانهٔ سه دانش حقوق و اقتصاد و مدیریت. بدین صورت که اگر بخواهیم ابعاد و زوایای مختلف بودجه را شناسایی و شکوفا کنیم تا ظرفیت‌های عیان و نهان فقرزدایی آن برملا شود، لازم است از توانِ معرفتی و امکانِ شناختی که در مجموعهٔ علوم انسانی و به‌خصوص بخش‌هایی از علوم انسانی که عهده‌دار تحقیق و تبیین در زمینهٔ بودجه مهیا و ممکن شده، از جمله در مطالعات مدیریت مالی و اقتصاد بخش عمومی و حقوق مالیهٔ عمومی، بهره‌مند شد تا اگر سخن از فقرزدایی است خود به فقرِ در فهمِ مسئله منجر نشود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

از آنجا که نوشتار حاضر بر پایهٔ چشم‌اندازی جدید از نظر به مفهوم و کارکرد بودجه بنا شده و غایتِ فقرزدایی علت رجوع به منابع با روش فراتحلیل قرار گرفته، فاقد پیشینهٔ پژوهشی متناظر و مرتبط با این نحو خوانش از بودجه است؛ به صورتی که «بودجهٔ فقرزدا» تاکنون در نگاشته‌ای مستقل مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است. اما با این حساب می‌توان از منثوراتی نام برد که تنها با دغدغه و عنوان عدالت و بودجه نگارش یافته‌اند؛ اگرچه متذکر راهبردهای جمع‌آوری‌شده در این مقاله نشده‌اند: «در پناه این بودجهٔ فقرزدا و عدالت‌پناه» نوشتهٔ فریبرز رئیس‌دانا (۱۳۷۵) و «بودجه‌بندی عدالت‌محور برای پیشرفت فرامنطقه‌ای» به خامهٔ علی‌اصغر پورعزت و میریعقوب سیدرضایی (۱۳۹۵).

نظر به اینکه مطمحِ نظر نوشتار پیشاروی فقرزدایی به مثابهٔ غایت و سیاستِ بنیادین دولت در تهیه و تدوین بودجه است، لازم است مقصود از بودجه و فقرزدایی و جوهرهٔ این عبارت، که فقر است، مشخص شود و مورد مطالعه قرار گیرد تا مبتنی بر این تدقیق بتوان به راهبردهایی برای تقریب به بودجهٔ فقرزدا دست یافت. در انتها نیز ظرفیت اسناد بالادستی ایران برای تحقق این غایت مورد شناسایی قرار گرفته است.

۱. بودجه‌شناسی

کلمهٔ بودجه در زبان فارسی از کلمهٔ bougette (بوژت) زبان فرانسوی قدیم گرفته شده؛ به معنای کیف و کیسهٔ کوچک چرمی که در آن وجوه نقد نگه‌داری می‌شده است (رستمی، ۱۳۹۷: ۲۱). این واژه در فرهنگ سیاسی انگلستان پدیدار می‌شود، جایی که با تصویب منشور مگناکارتا[۳] در سال ۱۲۱۵ تبارِ نخستین شیوهٔ بودجه‌نویسی به شیوهٔ امروزی پایه‌گذاری و به کیف کوچکی که حاوی مهر وزارت دارایی بود اطلاق شد (اقتداری و همکاران، ۱۳۴۷: ۴۰) که بیشتر نقش کنترل کردن اموال و منابع مالی شاه توسط پارلمان را داشت. تا در سیر انتقال معانی خود در نیمهٔ اول قرن هجدهم میلادی با عبارت budget در فرهنگ حقوقی انگلستان ظاهر می‌شود که به آن «کیفی که حاوی صورت مخارج مورد نیاز پادشاه بوده و به پارلمان عرضه می‌گردد» خطاب می‌شود (موسی‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۴۳). معنای اخیر متناسب با تغییرات در نظام حقوقی انگلستان در ساحل معنای «صورت دریافت‌ها و پرداخت‌های دولت» آرام می‌گیرد تا این معنای به سنت حقوقی دیگر کشورها نیز انتقال‌یافته متکامل و در معنای اصطلاحی حقوقی کنونی شایع شود.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در تطورات تاریخی فرهنگ حقوقی ایران‌زمین نیز بودجه معانی متعددی به خود گرفته است. درک ایرانیان از بودجه و جایگاه آن در نظام مالی کشور در دوره‌های اولیهٔ نگارش قوانین بودجه، به دلیل شرایط تاریخی و موقعیت سیاسی برآمده از نظام پادشاهی و نحوهٔ خاص درک و دریافت پارلمان و قانون در اندیشهٔ ایرانی، متفاوت بوده با تصور کنونی که از بودجه در قوانین و مقررات مرتبط با بودجه نوشته و نمایان می‌شود (واشقانی فراهانی، ۱۳۸۷: ۵۵ ـ ۵۸). در این خصوص اصل ۵۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دولت (قوهٔ مجریه) را مکلف به تهیه و تنظیم و پیشنهاد بودجه به مجلس شورای اسلامی (قوهٔ مقننه) می‌کند.

تذکر به سیر تطورِ ابعاد مختلف و اجزای متعدد بودجه و فهم تاریخ تکوّن و تحقق آن شناخت عمیق و دقیق‌تری از ماهیت بودجهٔ کنونی به ارمغان می‌آورد. به نقل از یکی از نویسندگان «مطالعهٔ سیر تکاملی فرایند بودجه‌ریزی در کشورهای مختلف نشان‌دهندهٔ آن است که در مراحل اولیهٔ شکل‌گیری این نظام بودجه وسیله‌ای برای حسابداری، تنظیم، ثبت، و نگهداری جریان‌های مالی دولت و حسابداری مربوط به آن‌ها بوده است. با گسترش وظایف دولت و ورود آن در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، و تعیین اهداف معین در این محدوده‌ها ابعاد کاملاً جدیدی در مسائل مربوط به تهیه و تنظیم بودجه مطرح گردید.» (مقصودی، ۱۳۸۶: ۱۹).

با این حساب می‌توان گفت بودجه در معنای اصطلاحی خود، که مقصودِ عنوان و عبارات این نوشته است، توسط نویسندگان در حوزه‌های مختلف علوم انسانی تعریف شده که هر یک به بیان حقیقتی از بودجه در پرتو چشم‌اندازهایی که در حوزهٔ معرفتی خود عیان می‌شود برخاسته‌اند. اما از آنجا که مسئلهٔ نوشتار پیشاروی بررسی چیستی و چگونگی تحقق بودجه‌ای فقرزدا به صورت کلی و عمومی است و در مقام آن نیست که به مباحثات و ملاحظات در زمینهٔ جستارهای نظری بودجه و بودجه‌شناسی بپردازد، تعریفی شکلی و حقوقی از این برنامه می‌تواند به عنوان مبنایی عمومی و معنایی مشترک مورد توجه قرار بگیرد که قابل اشاره به سندی عینی در نظام‌های حقوقی مختلف است. از این روی می‌توان تعریف جامع بودجه به «سندی حاوی تخمین درآمدها و هزینه‌های عمومی دولت در مدت معین و به شکلی هدفمند و مطابق با برنامه‌های عالی که در راستای اهداف و سیاست‌های کلی کشور از سوی مراجع ذی‌صلاح قانون تهیه و تصویب می‌شود» (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۰: ۳۴) را به مثابهٔ تعریف مختار مد نظر نوشتهٔ پیش روی قرار داد و به ادامهٔ بحث از بایسته‌های بودجهٔ فقرزدا پرداخت.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۲. فقرشناسی

فقر در معنای لغوی نیازمندی، نداشتن مایحتاج، بی‌چیزی، ناداری (دهخدا، ۱۳۹۰: ۲/ ۲۱۳۰) و فقیر به معنای تنگدست، تهیدست، محتاج است (عمید، ۱۳۶۴: ۲/ ۱۵۴۵). فقیر کسی است که مهره‌ها و استخوان‌های پشت او شکسته شده (نفیسی، ۱۳۱۸: ۴/ ۲۵۷۹) و مال و کسبی ندارد تا نیاز خود و خانواده‌اش را با آن برطرف سازد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۵/ ۶۰ ـ ۶۱). سرّ انتساب فقیر به کسی که استخوان‌های ستون فقراتش با ذلت و بیچارگی شکسته شده از این جهت است که عمود و عامل قیام به ثروتش گرفته شده و پشت و پشتیبانش از بین رفته است؛ بدین معنا که ضعیف و ناتوان شده و به نهایت درجهٔ متأثر شدن رسیده است (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۳۸۳).

معادل انگلیسی فقر در زبان انگلیسی poverty است که هم‌خانواده است با تبار واژه‌های یونانی چون Πενία (Penia)، الههٔ کمبود و فقر و نیاز، Ποίνη (Poine)، الههٔ مکافات و مجازات، Πόνος (Ponos)، الههٔ رنج و کار سخت و مشقت. این‌ها همگی می‌توانند اشاراتی به لایه‌های معنایی اصیل و آغازین مفهوم فقر داشته باشند.

کلان‌واژهٔ فقر چندبعدی است و از پیچیدگی مفهومی و گستردگی مصداقی بسیار برخوردار است. فقر همواره از مشکلات و مصائب جوامع بشری بوده و چگونگی مبارزه با آن خاطر نخبگان و پیشگامان فکری را در طول تاریخ به خود مشغول کرده است و همچنین در سده‌های اخیر، با شکل‌گیری علوم انسانی و شیوه‌های علمی مهیاشده در آن، دانشمندان از زاویه‌ها و زمینه‌های مختلف نوین به این پدیده نگریسته‌اند. علاوه بر این انقلاب صنعتی، جهانی شدن سرمایه‌داری، و روابط جدید اجتماعی خود پدیداری جدید از فقر را ممکن کرده بود که نیاز به شناختی نوین داشت (رهنما، ۱۳۷۲: ۷۰).

بدین موجب، تعاریف اصطلاحی بسیار و نظریه‌های متعدد در پهنهٔ علوم انسانی و از دریچهٔ هر یک از حوزه‌های معرفتی در باب تحلیل سرشت و ماهیت فقر شکل گرفته است (کارنامه‌حقیقی، ۱۴۰۰: ۲ ـ ۶) و در پرتو مبادی نظریه‌های موجود از علت‌ها و ریشه‌های متعدد (زریباف، ۱۳۹۱: ۸ ـ ۲۴) و همچنین آثار و لوازم مختلف در باب فقر سخن رانده شده (کنت گالبرایت، ۱۳۶۶: ۲۸ ـ ۴۸) و متناسب با آن شاخص‌های تحلیلی[۴] و ارزیابی متفاوتی با مؤلفه‌های اقتصادی یا اجتماعی ـ چون امید به زندگی، نرخ مرگ‌ومیر، تولید ناخالص داخلی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

سرانه، درآمد سرانهٔ خانوار، نرخ بیکاری، دسترسی به آب سالم و غیره، مساحت سرانهٔ مسکن، مصرف سرانهٔ مواد غذایی و پوشاک، میزان جذب و مصرف روزانهٔ کالری، امکانات سیاسی و اجتماعی، و ...ـ در باب فقرشناسی مطرح شده است (گرینزپان، ۱۳۸۲: ۳۳ ـ ۷۰).

صرف‌نظر از دقت‌های فلسفی و تمییز مبانی و مبادی حاکم در هر نظریهٔ فقرشناختی، که پرداختن به آن در جای خود لازم و ضروری است و نقش شایانی در به وضوح و تمایز درآمدن مفهوم و مصداق فقر در زمانهٔ حاضر دارد و موجب آگاهی از زمینه‌های شکل‌گیری و عوامل مؤثر بر آن و در نهایت آثار و آسیب‌های آن می‌شود، از آنجا که مسئلهٔ این نوشتار نسبت بودجهٔ عمومی و فقرزدایی از جانب دولت است و بر مدار مؤلفه‌های مرسوم و ممکن در متن بودجه، که یارای فقرزدایی دارد، صورت‌بندی شده است، تعریف به مصادیق و مناشی و مظاهر مرتبط با فقر در معنای معاصر خود، که از فقر درآمدی فراتر می‌رود و متوجه عدم برابری شهروندان در توزیع قدرت و ثروت و فرصت و امکانات می‌شود و به تعبیری دیگر مفاهیم بر سرِ راه و همراه با فقر که نسبتی با صلاحیت و اختیارات و خدمات دولتی دارد و متناسب با عبارات وارده در بودجه است، در دستور کار قرار گرفته است. در این صورت می‌توان به عناصر فقرآمیز و فقرزایی چون تبعیض، تورم، شرایط منفی اقتصادی، گرانی کالاها و خدمات، هزینهٔ بالای تولید، بی‌کاری و کارِ ناشایست، فقدان مسکن متناسب، نبود آب تمیز و غذای سالم، عدم دسترسی فراخور به مراقبت‌های بهداشتی و خدمات پزشکی، طبقاتی شدن آموزش دانش و مهارت، اعتیاد به مواد مخدر، موانع پیشاروی ایجاد و ادارهٔ کسب‌وکار، خدمات عمومی ضعیف، زیرساخت‌های ناکافی، و ... اشاره کرد.[۵]

گفتنی است فقر مفهومی متناسب با شرایط زمانه و مقومات زمان و مکان است. فقر پویاست و مصادیق و موضوعات آن می‌تواند دچار تغییر و تکثر شود. در واقع فقر هم‌گام با نیازهای عصر خود در تحول است و چالش‌هایی مانند شکاف درآمدی، رژیم غذایی، بهداشت، آموزش، شادی و خلاقیت، بهره‌مندی از حق‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، و ... را در خود گنجانده است. آثار فقر نیز می‌تواند دارای جلوه‌هایی نوین باشد. خاصیت تسلسلی فقر و عملکرد چرخه‌وار آن نیز نشانی از اهمیت توجه به آن در حکمرانی و به‌خصوص سیاست‌های اداری و تصمیمات اجرایی دارد؛ بدین نحو که فقر اغلب از محیط و خانوار و نسلی به محیط و خانوار و نسل دیگری منتقل می‌شود که اسکار لوییس[۶] از آن با عنوان «فرهنگ فقر» یاد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌کند (لوییس، ۱۳۵۳: ۱۲۵)؛ چنان که بسیاری از مردم در فقر به دنیا می‌آیند و امید چندانی برای غلبه به آن ندارند. عواملی چون موقعیت و محل زندگی، طبقهٔ اقتصادی، سطح درآمد، اندازه و سن اعضای خانوار، دریافت‌های خانوار از دولت، و دیگر نابرابری‌های پیشینی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی گویی فقیر بودن فردی را حتی پیش از پا به دنیا گذاشتن او معلوم می‌کنند (راغفر، ۱۳۸۶: ۱۴۹) و باعث می‌شوند برخی این ادعا را مطرح کنند که در جهان مدرن و با این مناسباتِ سرمایه‌داری و اقتصاد سیاسی جوامع کنونی دیگر علت فقر عدم توانایی فرد انسانی نیست، بلکه فقر خود باعث ناتوانی می‌شود و ناتوانی معلولِ فقر افراد است (مولاینیتن و شفیر، ۱۴۰۱: ۱۷۷ ـ ۱۸۰).

در نمایان ساختن ابعاد مختلف فقر توجه به این ملاحظه اهمیت می‌یابد که فقر سیال و سیستماتیک است و جنبه‌های گوناگون آن در تعامل با یک‌دیگرند و به اشکال مختلف یک‌دیگر را تقویت می‌کنند و توسعه می‌بخشند. مثلاً عدم امکان دسترسی به مواد مغذی و غذای سالم یا مراقبت‌های بهداشتی متناسب بیماری را پدید می‌آورد که خود با وجود هزینه‌های سرسام‌آور درمان و خدمات پزشکی موجب تشدید فقر خانوار است. مشاهدات نیز حاکی از آن است که اولین ظرفیتی که در خانواده‌های فقیر حذف می‌شود سواد و آموزش و فرهنگ است. زیرا در نظر ایشان به نسبت نیازهای اساسی، مانند خوراک و پوشاک، جزء کالاهای ضروری محسوب نمی‌شوند.[۷]

از طرفی فقر در دنیای کنونی در میان نظامات اقتصادی و حقوقی و در پرتو دستگاه‌های آماری و محاسباتی دولت‌ها به صورتی نوین پدیدار و بازیابی شده است؛ بدین معنا که فقرِ شهروندان با توجه به طبقه‌بندی و دهک‌بندی‌های آماری ارزیابی می‌شود و در واقع داده‌ها و نموداری که دولت از درآمدها و مخارجی که اداره از وضعیت اقتصادی شهروندان و خانوار دارد مبنای تحلیل و بررسی موقعیت اقتصادی شهروندان قرار می‌گیرد. توجه به این ملاحظه از آن جهت است که اطلاعات آماری از کم و کیف زندگی شهروندان در دست اداره است و بودجه نیز از جمله تصمیمات اداره است.

ناگفته پیداست که فقر سرآغازی برای عمدهٔ رنج‌های بشری است و همراه خود یک سونامی از آسیب‌ها را به بار می‌آورد. علاوه بر این، موانع و محدودیت‌های متعددی بر سر راه شکوفایی کرامت انسانی و توسعهٔ فردی و اجتماعی فقیران قرار می‌دهد و حیات انسانی و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کمال وجودی ایشان را به مخاطره می‌اندازد. ژان لابن اظهار می‌دارد: «هدف تنها بقای انسان نیست، بلکه مراد زندگی شایسته و آبرومندی است و شایستگی و آبرومندی یک امر اجتماعی است.» (لابن، ۱۳۵۹: ۴۸). افزایش جرایم و جنایات[۸]، فروپاشی خانواده و فزونی طلاق، اعتیاد، رواج خشونت، بروز اختلالاتی چون افسردگی و احساس حقارت، وابستگی، و ... نیز از جمله آسیب‌های روانی و اجتماعی و فرهنگی است که ممکن است فقر با خود به ارمغان آورد.

۳. فقرزدایی‌شناسی

فقرزدایی[۹] دال اصلی عنوان نوشتار حاضر است که متفاوت با مقولهٔ فقیرزدایی است؛ جایی که عوامل پیدایش فقر مد نظر قرار می‌گیرند تا فقیران و جلوه‌های فقر. فقرزدایی، که همواره یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های حکومت‌ها بوده، به معنای زدودن و پیراستن علل و عوامل تولید و تقویم و ترویج فقر از چهرهٔ جامعه است که توأم است با توانمندسازی و ایجاد رفاه برای اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر جامعه و تأمین نیازهای بنیادین و اساسی ایشان.[۱۰] این مقولهٔ مهم از جهات متعدد می‌تواند به مثابهٔ تکلیف و وظیفه قلمداد شود؛ با همهٔ تفاوت‌هایی که این جهات مختلف در مبانی و غایات با یک‌دیگر دارند.

فقرزدایی تکلیفی شرعی است؛ چنان که شریعت محمدی یکایک مسلمین را مکلف در اهتمام به فقرزدایی کرده است با همهٔ نصوصی که حکایت از برپایی قسط و عدل، انفاق، صدقه، وقف، خمس، و دیگر تکالیف واجب و مستحب مالی و غیر مالی در حق دیگران وجود دارد، علاوه بر گزارش‌های تاریخی متعدد که نشان‌دهندهٔ اقدام و اهتمام ائمهٔ شیعه در جامهٔ عمل پوشانیدن به آن گزاره‌هاست، از جمله سیرهٔ نبوی و علوی در هنگامهٔ حکمرانی و دیگر ائمه درحالی‌که از اقتدار و امکانات حکمرانی نیز برخوردار نبوده‌اند (اکبری رنانی، ۱۳۹۳). نیز تکلیفی اجتماعی است آنجا که حفظ قوام ارکان و دوام اجزای جامعه مد نظر است و فقر می‌تواند آسیب‌های متعدد به پیکرهٔ نظم و امنیت اجتماعی وارد کند و لازم است اعضای جامعه برای جلوگیری از پدید آمدن این آسیب‌ها و از برای ایفای مسئولیت اجتماعی اقدام به مهار فقر کنند. همچنین تکلیفی سیاسی است در جایی که حکومت‌های پیشامدرن و دولت‌های مدرن، حداقل در بیان و بیانیه‌های خود، نوید تأمین عدالت و مهار فقر را به مردم و شهروندان می‌دهند و در انظار عمومی نیز یکی از مهم‌ترین کارکردهای حکومت‌ها و دولت‌ها رفع فقر و محرومیت و بهبود شرایط اقتصادی و برپایی عدالت و برابری است. و البته تکلیفی حقوقی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

است زمانی که تنظیم روابط اعضای جامعهٔ سیاسی مد نظر است با این ملاحظه که در جامعهٔ سیاسی روابط نابرابر اقتصادی وجود دارد و همواره حقوقدانان از تدارک عدالت و تنظیم روابط نابرابر اقتصادی و اجتماعی به عنوان یکی از اهداف حقوق یاد می‌کنند و در میان آثاری که به تفکر و تعریف دربارهٔ علم حقوق پرداخته‌اند همواره از عدالت به مثابهٔ هستهٔ سخت گفتمان علم حقوق یاد می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۱۹).

در محل بحث و بر مدار این اثر مکتوب، دولت به عنوان فاعلِ فعلِ فقرزدایی ملحوظ گرفته می‌شود و به بایسته‌های بودجهٔ فقرزدا به مثابهٔ یکی از تکالیف دولت (در معنای عام) نظر افکنده می‌شود؛ همچنین به صورت خاص در نسبت با مطلقِ بودجه به مثابهٔ شاهرگ مالی نظام اداری و اقتصادی کشور، که در قالب سندی حقوقی و لازم‌الاجرا ظاهر می‌شود.

۴. راهبردهای نیل به بودجه‌ای فقرزدا

مبتنی بر توضیحات و مقدماتی که از ابتدای نوشته آمد، می‌توان مؤلفه‌های زیر را به مثابهٔ گام‌هایی برای دستیابی به بودجه‌ای که منجر به فقرزدایی می‌شود در نظر گرفت. این عوامل به صورت موردی و بیش از آن به صورت ترکیبی و هم‌زمان می‌توانند نقش بیشتری ایفا کنند تا عدالت اجتماعی و کاهش فقر از طریق بودجهٔ عمومی گسترش یابد.

البته، اجرای واقعی این عناصر در گرو ایجاد شرایط امکان اجرای آن است؛ بدین معنا که بسترهای قابل احقاق و اعمال فقرزدایی و همچنین زمینه‌ها اقتصادی و اسباب سیاسی و مدیریتی و حقوقی آن توسط تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران مهیا شود و اراده‌ای واحد و حقیقی و همگانی برای جامهٔ عمل پوشانیدن به این مباحث در میان باشد (غفاری، ۱۳۹۳: ۲۲۵ ـ ۲۲۹) تا برقراری عدالت بر همهٔ فرایندها و سیاست‌ها حاکم شود و نگاه‌های موقتی، شعاری، هیجانی، و خرد به فقرزدایی از میان برداشته شود و سیاست‌ها و برنامه‌هایی انتخاب و اعمال شود که به طور مستقیم و غیر مستقیم به فقرزدایی بینجامد. علاوه بر موارد یادشده تعامل میان نهادها و مشارکت مردمی و توافق ملی نیز از لوازم تحقق این راهبردهاست.

همین‌طور با توجه به موضوع و روش پژوهش، که از پژوهش‌های راهبردی و کاربردی به شمار می‌آید، و مبتنی بر حل مسئله در این سطح تکنیکی، که به ابزار بودجه جهت ملحوظ انگاشتن غایتی نوین در آن توجه می‌شود، لاجرم مؤلفه‌های برشمرده‌شده در نوشتار حاضر فارغ از مبانی و لوازم و غایات نظری و مبنایی مخصوص خود مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ بدین

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

معنی که هر یک از مؤلفه‌ها و گام‌های زیر بسته به مکتب اقتصادی و طرحی که از اقتصاد و مدیریت و حقوق توسط حکومت‌ها اخذ شده باشد به‌تناسب می‌تواند در بودجه‌ریزی کشورها مد نظر قرار گیرد و امکان کاربست به شیوهٔ مخصوص خود را داشته باشد. چون در هر نظام حقوقی طرحی خاص از بودجه‌ریزی و شبکه‌ای خاص و متمایز از ارکان و عناصر مالی‌ـ اقتصادی وجود دارد. از طرفی فرهنگ سیاسی کشورها نیز متفاوت است و امکان تحقق هر راهبردی بسته به قابلیت‌ها و ظرفیت‌های موجود در حکمرانی دولت‌ها دچار قبض و بسط می‌شود (Klugman, 2002: 284).

با این حساب، عدم لحاظ اقتضای نظری و گذر از پیامدهای علمی و لوازم معرفتی و مبنایی که هر یک از راهبردهای زیر می‌تواند در هر نظام سیاسی و هر طرح اقتصادی و حقوقی از بودجه‌ریزی داشته باشد امری به فراخور مسئلهٔ نوشتار حاضر و شیوهٔ پاسخ به آن بوده است. البته، پس از اثبات امکان تنظیم بودجهٔ فقرزدا و تدارک دریافتی کلی از ماهیت و موقعیت آن، این زمینه فراهم است که هر یک از مؤلفه‌ها و موارد زیر به طور تخصصی و تفصیلی و مبتنی بر زمینهٔ علمی و پیشینهٔ نظری که دارد مورد بررسی و پژوهش‌های آتی قرار بگیرد. مبتنی بر این ملاحظات می‌توان راهبردها و راهکارهای زیر را جهت تنظیم بودجه‌ای که به کاهش فقر می‌انجامد در نظر گرفت.

۴- ۱. کاهش هزینه‌های غیر ضروری و زائد

بنای علم اقتصاد بر این است که درآمدها و منابع محدود و نیازها و مصارف نامحدود است. بودجه به مثابهٔ ابزاری مالی در تمشیت اقتصاد عمومی نیز از جریان این مبنا مستثنا نیست. از این روی وجود غایت و هدفی پیشینی با تأکید بر جلوگیری از هرز رفتن امکانات و سرمایه‌ها و نیز حذف هزینه‌های غیر ضروری و زائدی که متوجه منافع و مصالح عمومی نمی‌شود می‌تواند به کیفیت و کمیت تصویب و تخصیص منابع جهت دهد؛ به‌خصوص با پیراستن ردیف‌های بودجه‌هایی که با رویکردهای سیاسی از جمله گرایش‌های سیاسی پارلمان یا دولت، تبانی و سازش میان احزاب و نمایندگان، مباحث انتخاباتی و نگاشته شده (عباسی، ۱۳۹۳: ۱۵۴) یا بنا بر عادات تاریخی و سنت بودجه‌نویسی وجود داشته و شکلی بت‌واره پیدا کرده‌اند و دستاورد خاصی ندارند که از آن تحت عنوان سیاه‌چاله‌های بودجه نیز نام برده شده (عادل‌آذر و امیرخانی، ۱۳۹۶: ۵۸۵) و نیز زدودن مخارج و مصارفی که عمدتاً برای طبقات بالا

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

و ثروتمند جامعه است تا با این اقدام از بروز کسری بودجه که خود از بزرگ‌ترین مناشی ناترازی و ناکارآمدی بودجه است جلوگیری شود و نابرابری‌ها در توزیع کاهش یابد. با سمت‌دهی هزینه‌ها، با هدف استفادهٔ بهینه و پرهیز از مصرف آن در زمینه‌های غیر ضروری و غیر اساسی یا صرفاً تشریفاتی، منابع مالی و درآمدهای بیشتری در دسترس قرار می‌گیرند برای تصویب و تخصیص به بخش‌هایی که نیازهای اولیه و زیرساخت‌های اساسی کشور را تأمین می‌کنند و منجر به فقرزدایی می‌شوند؛ از جمله اشتغال‌زایی، تأمین اجتماعی، آموزش عمومی، بهداشت عمومی، مسکن، و ... در صورتی که امکان کاستن از اعتبارات هزینه‌ای ممکن نباشد می‌توان به صرفه‌جویی در اعتبارات هزینه‌ای از طریق افزایش بهره‌وری روی آورد که خود نحوی بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد است. بودجه‌ریزی بر مبنای صفر[۱۱] یکی از روش‌های تحقق این راهبرد است.

۴- ۲. شفافیت بودجه

بدین معنا که با عمومیت یافتن و رسانه‌ای شدن اجزای فرایند تهیه و تصویب بودجه از لایحه تا بخشنامه و همچنین مفاد آن، از جمله احکام و ارقام و ردیف‌های بودجه در جامعه، همهٔ شهروندان بتوانند از جزئیات آن اطلاع یابند. با شفافیت بودجه و معلوم‌سازی ابعاد درآمدها و هزینه‌های دولت و همهٔ اطلاعات مالی مرتبط توجیه و دلیل اقتصادی واقعی برای ارقام و احکام بودجه مشخص می‌شود و به دنبالهٔ خود بسترهای فساد و تصویب و تخصیص‌های غیر عادلانه و محرمانه برچیده می‌شود و شهروندان توان مطالبه‌گری و ارزیابی بیشتری خواهند داشت (مقدم‌چوکامی و امیرخانی، ۱۳۹۸: ۵۴ ـ ۵۵). بدین جهت است که بودجه را یکی از ابزارهای اصلی تحقق دموکراسی قلمداد می‌کنند. در نهایت امکان نظارت و بررسی مؤثرتری برای نهادهای نظارتی و محاسباتی پدید می‌آورد و با افزایش پاسخگوییِ دولت مسئولیتِ دولت نیز قابلیت استناد و ارزیابی پیدا خواهد کرد. پس، با شفافیت بودجه می‌توان بخشی از مجاری و مناشی تشدید فقر و بی‌عدالتی را مسدود کرد و زمینه‌های تصحیح و کارآمدی و جهت‌دهی بودجه به غایت فقرزدایی را مهیا ساخت. سهمی از شرایط امکان شفافیت بودجه برای عموم مردم ساده‌نویسی و ارائهٔ آن به مردم توسط دولت به شیوه‌های همه‌فهم با بهره‌گیری از رسانه‌ها و قالب‌های ارائهٔ مختلف است. تجربهٔ بودجهٔ شهروندی[۱۲] در خصوص اعمال این راهبرد می‌تواند محل توجه قرار بگیرد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

۴- ۳. شاملیت و تفصیلی بودن بودجه

زمانی بودجه می‌تواند امری مؤثر و تعیین‌کننده در نظام مالی باشد که این قابلیت را داشته باشد که با استناد و ارزیابی مؤثر احکام و ارقام آن درکی دقیق از مخارج و درآمدهای دولت‌ها ارائه شود. بدین جهت لازم است به صورت ریز، جزئی، تشریحی، تفصیلی، و دقیق نوشته شده باشد. سنجش اولویت‌ها و فعالیت‌ها و کاستی‌های دولت در زمینهٔ فقرزدایی و اطمینان از اثربخشی آن با وادارسازی دستگاه به مصرف بودجه به همان وصفی که به تصویب رسیده و نیز نظارت مؤثر بر اجرای بودجه تنها با وجود بودجه‌ای واقعی و جزئی ممکن می‌شود (رستمی، ۱۴۰۱: ۲۷۶). از طرفی، با تشریح جزئیات و جنبه‌های مختلف هزینه‌ها، ظرفیت کاهش هزینه‌های غیر ضروری و زائد و تدارک منابع بیشتر برای ردیف بودجه‌های فقرزدایانه‌تر مهیا می‌شود و از هدررفت منابع و مخارج و پدیدهٔ شومی چون کسری بودجه، که خود از دلایل بروز تورم است، جلوگیری می‌شود.

۴- ۴. هماهنگ‌سازی و وحدت‌بخشی نهادهای فقرزدا

تقسیم وظایف و تفکیک امور اگرچه همواره یکی از راهبردهای هر نظام اجتماعی و به‌خصوص مبادی ساخت حقوقی به حساب می‌آید، گاه این امکان را دارد تا با تفکیک و تقسیم نامتناسب و ناهمگون در قالب نهادهای مختلف، که فراتر از اقتضای اجرای امور است، تشویش و تفرقه و ناهماهنگی به همراه بیاورد. با این حساب گاه تکثر نهادهای تأمینی و فقرزدا که عمدتاً اهداف و فعالیت‌های مشابهی دارند موجب می‌شود در سنجهٔ کارآمدی و اجرا اثربخشی مقصود صورت نگیرد و اهداف فقرزدایانه و تأمین اجتماعی، به واسطهٔ متعدد شدن این نهادها و تداخل در حوزهٔ اعمال وظایف و اختیاراتشان، محقق نشود و به پدیدهٔ شکست هماهنگی[۱۳] بینجامد (خان‌دوزی، ۱۳۹۶: ۸۱). بنابراین، با توجه به اینکه این دستگاه‌های متعدد از بودجهٔ عمومی برخوردار می‌شوند، هماهنگ‌سازی و وحدت‌بخشی به آن‌ها با هدف تجمیع و تدقیق منابع مالی، که به دنبال خود تمرکز نهادی و تمرکز نیروی انسانی و توان اداری و اجرایی را بهینه می‌کند، می‌تواند از تضییع منابع بکاهد و از طرفی با از میان برداشتن تداخلات موجود اثربخشی و توازن و کارآمدی بیشتری در فقرزدایی و تدارک تأمین اجتماعی و عدالت داشته باشد و به تقویت تعهد و تأمین همگرایی در برنامه‌ریزی و اجرای اقدامات مورد نیاز در جهت کاهش فقر و افزایش

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عدالت کمک کند. با این حساب، امکان نظارت و کنترل همگانی و تخصصی بیشتر می‌شود و دیوان‌سالاری[۱۴] و فرسایش موجود در این قبیل نهادها از میان می‌رود.

۴. ۵. معطوف‌سازی

معطوف‌سازی به معنای هوشمندسازی و هدفمندی و سوداری در تهیه و تصویب و تخصیص بودجه است. به جهت برآوردن هدف فقرزدایی، منابع به صورت خاص و جزئی به مناشی و مبادی اصلی ایجاد و اشاعهٔ فقر تعلق گرفته (World Bank, 1996: 103) و به صورت عمومی و کلی یا در زمرهٔ عناوین مرسوم اداری و مالی تعلق نگیرند. با تمرکز این نحو بودجه‌نویسی بر تخصیص منابع به نیازهای اساسی و اولویت‌های افراد فقیر. از آنجا که بی‌کاری، عدم برآورده شدن مسکن، عدم دسترسی مؤثر به آموزش و بهداشت عمومی، و فقدان تأمین اجتماعی از علل اصلی و اساسی پدیداری فقر و تقویم و ترویج آن هستند، لازم است در دستگاه‌های اجرایی و انشایی بودجه طرح و برنامهٔ مشخص و مفصلی در نسبت با فقرزدایی در ارتباط با این زیرساخت‌های اساسی برشمرده‌شده صورت گیرد و بودجه به طور هدفمند و هوشمند به سمت‌وسوی آنها معطوف شود و تخصیص یابد و از نگارش احکام و مفادی به صورت نهادی و اداری و کلی دوری شود.

می‌توان به توسعهٔ زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری در آن‌ها به عنوان یکی از موقعیت‌های هوشمندسازی اشاره کرد. برنامه‌ها و طرح‌های بودجه باید بر توسعهٔ زیرساخت‌های فقرزدایی که منجر به توانمندسازی فقرا می‌شود تمرکز کنند. زیرا بهبود بخش‌های مهم اقتصادی مانند حمل‌ونقل، انرژی، آب و برق، ارتباطات، مسکن، آموزش، و بهداشت می‌تواند به بهبود تأمین اجتماعی، ایجاد فرصت‌های شغلی، رونق کسب‌وکار و رفاه اجتماعی، و در نهایت زدودن فقر کمک کند.

۴- ۶. پیوست فقرزدایی

کانون محوری ایدهٔ پیوست فقرزدایی بر آن است که همهٔ دستگاه‌های بهره‌مند از بودجهٔ عمومی، مبتنی بر پیوست فقرزدایی که ارائه می‌دهند و برنامه و کارنامه‌ای که در سال مالی پیشین در حوزهٔ فقرزدایی داشته‌اند، مستحق دریافت بودجهٔ عمومی برای سال مالی آتی می‌شوند. از این رو، لازم است هر دستگاه بهره‌مند از بودجه شاخص فقرزدایی متناسب با وظایف و اختیارات و ماهیت عملکردی خود را داشته باشد تا بودجهٔ این دستگاه‌ها در پرتو مقدار

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

محقق‌شده و عملیاتی‌شده از شاخص فقرزدایی دستگاه برآورده شود. به بیان دیگر، دستگاه‌ها در مرحلهٔ «پیشنهاد بودجه» و همچنین در مرحلهٔ «تخصیص بودجه» باید گزارش جامع و تخصصی عملکرد خود در سال مالی گذشته در زمینهٔ فقرزدایی را ارائه دهند و مبتنی بر سنجش و آمایشی که از عزم و عملکرد دستگاه در حوزهٔ فقرزدایی برمی‌آید میزان قابلیت پیشنهاد بودجه و تصویب و تخصص بودجه و تأمین منابع مالی دستگاه معین شود. این فرایند با وابسته کردن دریافت بودجه به میزان کاهش فقر توسط دستگاه‌ها (بسته به امکان و توان آن‌ها) موجب می‌شود به صورت خودبه‌خود و خودکار دستگاه‌ها در مسیر فقرزدایی قدم بردارند و اهداف و برنامه‌ها صورت عملی پیدا کنند تا در این صورت بتوانند از بودجه بهره‌مند شوند.

۴- ۷. منطقه‌گرایی و محلی‌سازی

اگرچه بودجه سندی عمومی و ملی است و به صورت یکسان و فرابخشی و فرامنطقه‌ای نگاشته می‌شود، گاه نگاه یکسان و یک‌دست به مناطق کشور در بودجه‌ریزی با غلبهٔ ذهنیت مرکز- پیرامون و کانونی قرار گرفتن مسائل و مبادی امور مرکزی حاکمیت و کلان‌شهرها در حکمرانی باعث می‌شود عدالت به معنای استحقاق و قابلیت رعایت نشود و مشکلات و مسائل مجزا و ممتاز مناطق و بخش‌ها، به‌خصوص مناطق و بخش‌هایی که از رفاه نسبی و زیرساخت‌های عمومی و اساسی بهره‌مند نیستند و بیشتر در آن‌ها فقر و عوامل زایش فقر حضور دارد، به تیغ برابری قربانی شود. جهت نیل به شعبه‌ای از عدالت که از آن تحت عنوان عدالت منطقه‌ای یاد می‌شود (Harvey, 1993: 17) و با ضرورت وجود توازن و تعادل در مناطق کشور لازم است جهت زدودن فقر از چهرهٔ برخی نواحی، به‌خصوص نواحی کمتر برخوردار و محروم، در بودجهٔ عمومی کشور و به‌هنگامهٔ بودجه‌ریزی توجه ویژه‌ای صورت گیرد و بودجهٔ اختصاصی و تخصصی به این مناطق- با توجه به عواملی چون محرومیت ذاتی منطقه، توان جذب سرمایهٔ منطقه، امنیت اقتصادی منطقه، توان منابع انسانی منطقه، و ...- واگذار شود (پورعزت و سیدرضایی، ۱۳۹۵: ۳۲).

وجهی از منطقه‌گرایی و محلی‌سازی توجه به مناطق روستایی و مناطق محروم است. بودجهٔ فقرزدا باید به توسعهٔ این مناطق توجه ویژه‌ای داشته باشد و به دنبال تخصیص ویژهٔ منابع برای بهبود زیرساخت‌های عمومی این مناطق، ایجاد بسترهای شغلی، و تسهیل دسترسی به خدمات عمومی و اجتماعی برای آن‌ها باشد (رضوی، ۱۳۸۲: ۱۸۹ ـ ۱۹۰) و از طرفی به

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

توسعه و تسهیل مشاغل محلی و روستایی، از جمله کشاورزی و دام‌پروری و مشاغل خانگی- بپردازد. همچنین ظرفیت‌های غنی‌سازی صنایع بومی و محلی و شیوه‌های درآمدسازی محلی و منطقه‌ای را بارور و بسترهای آن را تعبیه و تقویم کند تا بخش‌های مختلف به‌خصوص بخش‌های محروم بتوانند بخشی از بودجهٔ مورد نیاز خود را با استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های اختصاصی زیست‌بوم خود به نحوی درون‌زا و پایدار تأمین کنند.

۴- ۸. توزیع عادلانه و تقلیل یارانه‌های پنهان

از مهم‌ترین ابزارهای اقتصادی جهت حمایت از فقیران و اقشار آسیب‌پذیر و همچنین بازتوزیع منابع و درآمدهای مالی یارانه‌ها یا همان کمک‌های مالی دولت به شهروندان است. در این میان گاه این یارانه‌ها آشکار و مستقیم نیست و با دریافت وجه مستقیم و مشخص از طرف شهروندان همراه نیست، بلکه دولت به صورت غیر مستقیم و پنهان حد فاصل قیمت واقعی و آزاد کالاها و خدمات تا قیمت مصوب برای شهروندان را پرداخت می‌کند تا کالا و خدماتی که به آن‌ها یارانه تخصیص یافته ارزان‌تر و دردسترس‌تر شود. در واقع، با اقدام دولت در تأمین فاصلهٔ قیمتی، شهروندان می‌توانند این کالا و خدمات را با قیمت پایین‌تری دریافت کنند و طبعاً هر چه استفاده از این کالا و خدمات توسط شهروندان بیشتر شود هزینه‌ای که دولت برای تأمین فاصلهٔ قیمتی پرداخت می‌کند نیز بیشتر می‌شود.

با این حساب، از آنجا که توان خرید و تدارک کالا و خدمات توسط اقشار کم‌درآمد و فقیر بسیار کمتر از دیگران است، در نهایت همه از این یارانهٔ پنهان به صورت مساوی بهره‌مند نمی‌شوند. چون شرط بهره‌مندی از این یارانه خرید و استفادهٔ بیشتر از کالا و خدماتی است که این یارانه به آن‌ها تعلق گرفته است. بنابراین، طبقات پایین جامعه چون قدرت خرید کمتری دارند از این یارانه کمتر استفاده می‌کنند و دیگر طبقات بیشتر از آن بهره می‌برند و به دلیل عدم شفافیت و جزئیت اختلاف قیمت ایجادشده باعث می‌شود مصرف بی‌رویه، ویژه‌خواری و سوداگری، توزیع ناعادلانهٔ ثروت، و افزایش شکاف طبقاتی پیرامون اقلام یارانه‌ای ایجاد شود (کردبچه، ۱۳۹۷: ۱۴۳) و بستر فعالی برای رانت و فساد فراهم آید.

از گام‌هایی که می‌تواند در افزایش درآمدهای دولتی نقش مؤثری ایفا کند و به جریان بازتوزیع عادلانهٔ ثروت در جامعه منجر شود تحدید و تقلیل یارانه‌های پنهان به موارد ضروری و بنیادین و برابر و حذف آن در بسیاری از کالا و خدماتی غیر لازم در بودجهٔ عمومی است تا،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

علاوه بر حفظ درآمدهای مالی دولت، قابلیت اعطای یارانه و کمک‌های مالی به دهک‌های پایین اقتصادی بیشتر شود. لازم است یارانه‌های آزادشده به صورت تفصیلی و تدبیرشده به جریان اقتصاد عمومی کشور بازگردد و به امور زیربنایی و تولیدی، زیرساخت‌ها، سرمایه‌گذاری‌های عمومی، و در نهایت سازکارهایی که منجر به فقرزدایی می‌شود اختصاص یابد تا این بودجهٔ پنهان دولت (یارانه‌های سیاه)، که تشدیدکنندهٔ فقر و نابرابری است، به بودجهٔ آشکار دولت (یارانه‌های سپید)، که فقرزدا هستند، تبدیل شود. البته کفایت آن وقتی احراز می‌شود که مسیر این بازتوزیع ساختارمند و منسجم و خردمندانه باشد و ره به جای دیگری نبرد (انبارلویی، ۱۳۸۴: ۵۴).

۴- ۹. هوشمندسازی مالیات

علاوه بر آنکه مالیات اساسی‌ترین منبع درآمد و تأمین مالی دولت‌ها و از طرفی مهم‌ترین مبنای مسئولیت آن‌ها به حساب می‌آید، از ابزارهای مالی جهت اجرای سیاست‌های اقتصادی دولت از جمله تأمین عدالت، کاهش فاصلهٔ غنی و فقیر، شکاف درآمدی، و جلوگیری از سوداگری است (پژوهان، ۱۳۷۳: ۴۶) در دانش حقوق و اقتصاد با مالیات‌های متعددی مواجه بوده که هرکدام به نحوی موجب درآمدزایی دولت‌ها شده که شهروندان را به شکل و شیوه‌های مختلف در معرض خود قرار می‌دهند. مبنای محاسبهٔ گونه‌های مختلف مالیات و میزان آن نیز بر اساس ضوابط و شرایط مخصوص خود تعیین می‌شود. بودجهٔ عمومی نیز علاوه بر آنکه درآمدهای مالیاتی را معین می‌سازد از یک طرف انواع شیوه‌ها و فرایندهای اخذ مالیات را بازنمایی می‌کند و نرخ‌ها و ضرایب مالیاتی را مشخص می‌سازد و به هر میزان این شیوه‌ها و فرایندهای مکلف قرار دادن و مشمولیت مالیات فراگیرتر و شفاف و جزئی باشد و همچنین نرخ و ضرایب مالیات‌ها روزآمد و عادلانه باشد درآمدهای دولت بیشتر می‌شود و فرارهای مالیاتی کمتری رخ می‌دهد. از طرف دیگر مالیات نحوی هزینهٔ اجتماعی است که در آن شهروندان، از آنجا که تحت تابعیت حکومت‌اند و از امکانات و منابع عمومی و اجتماعی بهره می‌برند و لازم است بهای ادارهٔ دولت و رشد و توسعهٔ آن را بپردازند، موظف‌اند بدیلی از آن را پرداخت کنند و در تأمین منابع مالی هزینه‌های عمومی سهیم شوند. اما، از آنجا که اقشار مستضعف و کمتر برخوردار به صورت نابرابر و نامساوی در بهره‌مندی از امکانات و منابع

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عمومی و اجتماعی شریک‌اند، لازم است شهروندانی که تمتع بیشتری از آن دارند متحمل مالیات مضاعفی بشوند.

علاوه بر انواع مالیات‌های مرسوم و متداول، به اشکال هوشمند و انواع نوینی از مالیات که قابلیت صدق بر رانت، آلاینده‌ها و آلوده‌کننده‌ها، دارایی و درآمد، مصارف، مخارج و معاملات، کنش‌ها و رفتارهای اقتصادی دهک‌های بالای جامعه، ثروتمندان، درآمدهای بالا و کالاها و خدمات لوکس دارد (استیگلیتز، ۱۳۹۵: ۲۵۲) نیز می‌توان به عنوان منابع درآمدی جدید و نقاطی برای تنظیم‌گری عدالت در جامه توجه کرد و نظام مالیاتی موجود در بودجه را بدین غایات سامان بخشید تا از تمرکز ثروت و افزایش اختلاف طبقاتی و ویژه‌خواری جلوگیری و منابع جدید به سمت فقرزدایی و توانمندسازی دهک‌های پایین جامعه رهنمون شود.

همچنین با هدف جلب و حمایت از فقرزدایی می‌توان نرخ و ضرایب مالیاتی سازکارها، مشاغل، و رفتارهای اقتصادی که منجر به فقرزدایی می‌شود و نتایجی چون اشتغال‌زایی، تأمین اجتماعی، آموزش عمومی، بهداشت عمومی، و ... را دارد تا تخفیف بخشیده و به صورت هدفمند و عملکردمحور به تخفیف مالیاتی و کاهش مالیات روی آورد. ناگفته نماند که تورم مالیات فقراست و در اقتصادهای تورمی این دارایی و درآمدهای فقیران است که به صورت خودبه‌خود کاهش می‌یابد و از بین می‌رود. کشورهای امریکای لاتین- از جمله اروگوئه، پاراگوئه، مکزیک، پرو، و ...- نمونهٔ کشورهایی هستند که از طریق بودجهٔ عمومی به استقبال تغییر و تکمیل سیاست‌ها و برنامه‌های مالیاتی خود با غایتِ فقرزدایی رفته‌اند (Moreno-Dodson & Wodon, 2008).

۴- ۱۰. عادلانه‌سازی حقوق و دستمزد

اعمال نرخ‌ها و ضرایب واحد و مقادیر ثابت برای حقوق و دستمزدهایی که در بودجهٔ عمومی بازنمایی می‌شوند باعث می‌شود تفاوت‌های شغلی و اقتصادی افراد و دیگر حیطه‌های مؤثر از جمله وضعیت تورمی سالیانهٔ کشور، احکام خاص حقوقی، و ... مورد توجه قرار نگیرد و به ظهور پدیده‌هایی چون حقوق نجومی، حقوق نابرابر، حقوق ناکافی، و حقوق ناعادلانه بینجامد (سرآبادانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۵ ـ ۱۳۷).

توجه به شاخص‌های کمّی و معینی چون تمایزها و پیچیدگی‌های شغلی، تفاوت وضعیت اقتصادی حقوق‌بگیران و به‌خصوص سطح رفاهی خانوار آن‌ها در تعیین نرخ‌ها، ضرایب و مقادیر

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

حقوق و دستمزد، و همچنین ایجاد رقابت و انضباط‌بخشی با برپایی پایگاه شناسهٔ پرداخت برای دولت و شناسنامهٔ مالی برای حقوق‌بگیران و افزایش پلکانی حقوق و دستمزد و از طرفی تعیین سقف برای ارقام بالا می‌تواند گام‌هایی برای نیل به عادلانه‌سازی حقوق و دستمزد باشد (قاهردوست و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۲ ـ ۹۳)؛ به‌خصوص در اقتصادهای تورمی افزایش حقوق و دستمزدها، اگر هم‌سو و هماهنگ با نرخ تورم نباشد، وضعیت درآمدی و قدرت خرید اقشار کم‌درآمد کاهش می‌یابد و قدرت خرید و سفرهٔ ایشان روزبه‌روز کوچک‌تر می‌شود.

۴- ۱۱. تسهیل دسترسی به خدمات و اعتبارات مالی

از آنجا که اقشار کمتر برخوردار و فقیر به منابع مالی محدودی دسترسی دارند و سازکارهای اقتصادی در جوامع کنونی بدان‌ها اجازه نمی‌دهد تا بدون مداخله و تنظیم‌گری دولت به نفع ایشان بتوانند از حداقل‌های یک زندگی کرامتمند بهره‌مند شوند این تمنا می‌رود تا در بودجهٔ عمومی احکام و ارقام و سازکارهایی برای ترویج و تسهیل دسترسی ایشان به امکانات و اعتبارات و امتیازهای مالی تعبیه شود (نگین، ۱۳۸۴: ۴۲ ـ ۴۶)؛ از جمله تعمیم و ترویج اقسام بیمه‌های تأمین اجتماعی، پس‌انداز، و تعیین حقوق و مزایای مالی و اقتصادی برای گروه‌های آسیب‌پذیر مانند افراد بی‌کار، بی‌سرپرست، سالمندان، و همچنین تصویب و تخصیص اعتبارات میکرومالی، وام‌های کوچک و کم‌بهره، و امکانات بانکی مناسب برای اقشار محروم و کمتر برخوردار با اهداف غیر مصرفی. SNAP[۱۵] و TANF[۱۶] از معروف‌ترین برنامه‌های اجراشده در بودجهٔ فدرال امریکاست که متناسب با این راهبرد نضج یافته است. البته محتوای تنظیم‌شدهٔ این دو برنامه عمدتاً دارای مصادیق مصرفی است (Falk et al., 2014).

۴. ۱۲. مردمی‌سازی بودجه

مردمی‌سازی بودجه از بومی‌سازی فقرزدایی برمی‌آید که در آن به معاونت و مشارکت فعالانه و مستقیم شهروندان و به‌خصوص اقشار کمتر برخوردار در سلسله فرایندهای بودجه‌ریزی و اجرای بودجه- از تهیه و برنامه‌ریزی و تصویب و تخصیص و نظارت و ارزیابی- روی آورده می‌شود (پورعزت و سیدرضایی، ۱۳۹۵: ۹۲). چون مردم، نهادهای عدم تمرکزِ اداری، سازمان‌های مردم‌نهاد، فعالان مدنی، و به‌خصوص خود جمعیت مواجه با فقر شناخت دقیق‌تر و بهتری از مشکلات و مسائل و نیازها و انتظارات خود و جامعه دارند و می‌توانند در ایجاد اولویت‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، چگونگی تعیین و تخصیص منابع و برنامه‌ها،

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نظارت بر پروژه‌ها و پایش عملکرد دستگاه‌های اجرایی و مصارف بودجه در پرتو اهداف و طرح‌های فقرزدایانه نقش مهمی ایفا کنند. همچنین مردمی‌سازی بودجه با غایت فقرزدایی باعث افزایش مشارکت و تعامل میان اعضای جامعه، تقویت ارادهٔ محلی برای رسیدن به توسعهٔ پایدار، و ایجاد انگیزه برای فعالیت و تلاش در جهت کاهش فقر می‌شود. این رویکرد به تعادل منطقه‌ای، توسعهٔ پایدار، و ایجاد عدالت اجتماعی کمک می‌کند و موجب افزایش پایداری و پذیرش برنامه‌ها و طرح‌های فقرزدایی در جامعه می‌شود. برزیل از اولین کشورهایی است که این شیوه از بودجه‌ریزی را در بودجهٔ شهری خود اجرا کرد و اینک در کشورهای متعدد این راهبرد در سطوح خرد و کلان، در بودجهٔ عمومی دولت یا بودجهٔ شهرداری‌ها، مورد توجه قرار می‌گیرد (Shah, 2007).

۴- ۱۳. توانمندسازی

توانمندسازی فقیران از طریق ایجاد و ارائهٔ بسترهای اشتغال‌زایی و مهارت‌افزایی از اساسی‌ترین شیوه‌های فقرزدایی است؛ جایی که با خلق شیوه‌های درآمدزایی، موقعیت‌های شغلی، و ایجاد فرصت‌های کاری دیگر نیازی به اعطای کمک‌های مالی مستقیم و هزینه‌های موقتی برای بهبود زندگی فقیران نیست و بلکه اساس فقر است که با تکیه بر تلاش فردی می‌رود تا از میان برداشته شود. بنابراین لازم است مقدار و محتوای فرصت‌های شغلی استخدامی در انواع سطوح برای دستگاه‌ها به صورت عادلانه و با عنایت ویژه به اشتغال طبقات پایین جامعه مشخص شود تا مبتنی بر آن بودجه‌نویسی صورت بگیرد. برنامهٔ MGNREGA[۱۷]، که از آن تحت عنوان برنامهٔ مهاتما گاندی یاد می‌شود، یکی از بزرگ‌ترین برنامه‌های اشتغال بودجه‌بنیان جهان است که در کشور هند از ۲۰۰۵ مورد توجه قرار گرفته است (Kumar & Chakrabotry, 2016).

همین‌طور بودجه باید به نحوی باشد که به تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار و مستمر بینجامد؛ شیوه‌هایی چون توسعهٔ صنایع محلی و بومی و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، تسهیلات مالی و پشتوانه‌های مالی برای کارآفرینان و کارجویان، و به صورت کلی ایجاد و بهینه‌سازی زیرساخت‌های کسب‌وکار و بهبود محیط کسب‌وکار. می‌توان برنامهٔ Bolsa Família را که در کشور برزیل از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۶ اجرا شد از نمونه‌های مطابق این راهبرد قلمداد کرد (Soares & Soares, 2009: 129-130).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

توسعهٔ مهارت‌ها و ترویج دسترسی آموزش برای طبقات پایین، جایی که با افزایش مهارت و دانش مسیر ایجاد و انتخاب شغل تمهید و تسریع می‌شود، از دیگر عناصر اساسی در فقرزدایی است؛ نظیر تأسیس و تسهیل دسترسی به آموزش عالی و آموزش‌های فنی‌ـ‌حرفه‌ای و رایگان‌سازی آموزش مهارت‌های فنی‌ـ‌حرفه‌ای و درآمدزا و مهارت‌های ارتباطی و مدیریتی و روابط عمومی برای شهروندان مواجه با فقر و ترویج نوآوری و بهره‌وری که در مجموع می‌توانند به افزایش قدرت اشتغال کمک کنند؛ چنان که در کرهٔ جنوبی از دههٔ ۱۹۹۰ به این راهبرد در بودجهٔ عمومی توجه شده است (Lee, 2004: 515-517).

۴- ۱۴. کاهش وابستگی به بودجه

برای حفظ و حراست از منابع مالی دولت جهت تنظیم‌گری عادلانهٔ اقتصاد عمومی و جلوگیری از پدیداری دولتی متورم و اقتصادی، دولتی که اتلاف منابع و استهلاک و فرسایش و فساد را به دنبال دارد، لازم است ایده و اندازه و اجرای بودجه در نظام مالی به نحوی باشد که به کاهش وابستگی دستگاه‌ها به‌خصوص دستگاه‌های زیان‌ده یا درآمدزایی چون شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیر دولتی و بانک‌های دولتی بینجامد که به نوبهٔ خود موجب افزایش استقلال اقتصادی دولت و کسر ریسک‌های مالی و کاهش بدهی و بحران‌های مالی می‌شود و به تقویت استقلال، توسعهٔ اداره، نوآوری، و توانمندسازی نهادهای یادشده می‌انجامد. البته تحدید مالکیت دولت و در نتیجه سلب اختیار و اقتدار دولت بر این دستگاه‌های اقتصادی و شرکت‌های دولتی می‌تواند از جمله چالش‌های این راهبرد باشد.[۱۸]

در این میان بودجه‌ها می‌توانند زمینه‌سازی کاهش وابستگی را با تقویت بخش خصوصی و ایجاد بسترهای مناسب برای تقویت تجارت و صنعت، حمایت از کارآفرینان، تسهیلات مالی و مالیاتی، عملکردمحوری، و ... برپا کنند و این نهادها نیز می‌توانند با تنوع‌سازی منابع درآمدی، ارتقای تجارت، صادرات و واردات، جذب سرمایه‌گذار داخلی و خارجی، بهبود فرایندها و تقویت و توسعهٔ محصولات و خدمات به سمت‌وسوی کاهش و قطع وابستگی به بودجهٔ عمومی دولت گام بردارند. توسعهٔ بورس اوراق بهادار، ارتقای بازارهای مالی جانبی، استفاده از منابع غیر بانکی مانند صندوق‌های سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و استفاده از ابزارهای تأمین مالی نوآورانه، مانند سکه‌های دیجیتال و بلاک‌چین (که از آن‌ها تحت عنوان

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دیجیتالی کردن تأمین مالی عمومی یاد می‌شود) نیز می‌توانند به عنوان مدل‌های جدید تأمین اعتبار محل توجه قرار بگیرند (Cangiano et al., 2019: 282-284).

۵. امکان‌سنجی تدارک بودجه‌ای فقرزدا در ایران

یافتن ظرفیت‌های کشور ایران جهت نیل به بودجه‌ای فقرزدا یا شناسایی امکان‌های استفاده از راهبردهای یادشده در شکل‌گیری بودجهٔ عمومی خود در گرو تحقیق در احکامِ اسناد بالادستی و بازجویی این مسئله در آن هنجارهای فرازین است. چون در پرتو برنامهٔ بودجه است که سهمی از آن اسناد بالادستی و اهداف عالی می‌روند تا صورت حقوقی یابند و بستری برای اجرا پیدا کنند. یافته‌ها از تحلیل محتوای قانون اساسی و مجموعه سیاست‌های کلی نظام نشان‌دهندهٔ آن است که راهبردهای یادشده در این نوشتار قابلیت خواهند داشت تا در تهیه و تنظیم بودجهٔ عمومی ایران تدارک یابند و مطمح نظر نگارندگان بودجه قرار بگیرند.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

جدول شماره ۱- امکان سنجی نیل به بودجه فقرزدا در پرتو «سیاست‌های کلی نظام»

	راهبردهای نیل به بودجه فقرزدا	اسناد بالادستی
۱	کاهش هزینه‌های غیرضروری و زائد	بند ۶ اصل چهل و سوم و اصل چهل و نهم قانون اساسی ؛ بند ۱، ۴ و ۵ سیاست‌های کلی نظام اداری ؛ بند ۱۶ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی
۲	شفافیت بودجه	بند ۲ اصل سوم، اصل بیست و چهارم و اصل پنجاه و چهارم قانون اساسی ؛ بند ۱ و ۲ سیاست-های کلی نظام در بخش شبکه‌های اطلاع رسانی رایانه‌ای ؛ بند ۱۱ سیاست های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی ؛ بند ۱۰-۲ سیاست‌های کلی سلامت ؛ بند ۳ سیاست‌های برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه
۳	شاملیت و تفصیلی بودن بودجه	بند ۹ سیاست‌های کلی نظام اداری ؛ بند ۹ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری ؛ بند ۳ سیاست‌های برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه
۴	هماهنگ‌سازی و وحدت‌بخشی نهادهای فقرزدا	مقدمه و بند ۱۰ اصل سوم قانون اساسی ؛ بند ۱۶ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ؛ بند ۲ سیاست‌های کلی تامین اجتماعی ؛ بند ۲۵ سیاست‌های کلی برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه
۵	معطوف‌سازی	بند ۱۲ اصل سوم، اصل بیست و هشتم و اصل سی و یکم ؛ سیاست‌های کلی نظام در بخش حمل و نقل ؛ بند ۴ سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی ؛ بند ۳ و ۵ سیاست‌های کلی نظام در اشتغال ؛ بند ۲ -۴ سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی ؛ بند ۱- ۳ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ؛ بند ۱۰-۲ سیاست‌های کلی سلامت؛ بند ۴ سیاست‌های کلی خانواده ؛ بند ۶-۱۰ سیاست‌های برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه
۶	پیوست فقرزدایی	بند ۹ سیاست‌های کلی تامین اجتماعی
۷	منطقه‌گرایی و محلی‌سازی	اصل چهل و هشتم قانون اساسی ؛ بند ۷ سیاست‌های کلی نظام اداری ؛ بند ج و ز سیاست‌های کلی آمایش سرزمین ؛ بند ۱۰ سیاست‌های کلی جمعیت
۸	توزیع عادلانه و تقلیل یارانه‌های پنهان	بند ۸ سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی ؛ بند ۸ سیاست‌های کلی نظام در اشتغال ؛ بند ۴ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ؛ بند ۱۰-۴ سیاست‌های کلی سلامت ؛ بند ۶ سیاست-های کلی تامین اجتماعی ؛ بند ۴ سیاست
۹	هوشمندسازی مالیات	سیاست‌های کلی نظام در بخش امنیت اقتصادی ؛ بند ۵ سیاست‌های کلی نظام در بخش مسکن ؛ بند ۱ و ۲ سیاست‌های کلی نظام در بخش مالی ؛ بند ۱۷ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ؛ سیاست‌های برنامه پنج‌ساله هفتم توسعه
۱۰	عادلانه‌سازی حقوق و دستمزد	مقدمه و بند ۹ اصل سوم ؛ بند ۶ سیاست‌های کلی نظام اداری ؛ بند ۱۳ سیاست‌های کلی نظام در اشتغال ؛ بند ۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ؛ بند ۵ سیاست‌های کلی تامین اجتماعی
۱۱	تسهیل دسترسی به خدمات و اعتبارات مالی	بند ۱۰ سیاست‌های نظام در اشتغال
۱۲	مردمی‌سازی بودجه	بند ۸ اصل سوم قانون اساسی ؛ سیاست‌های کلی نظام در بخش مشارکت اجتماعی ؛ بند ب سیاست‌های کلی نظام در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی ؛ بند ۱۴ و ۱۷ سیاست های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی ؛ بند ۷ سیاست‌های کلی تامین اجتماعی
۱۳	توانمندسازی	بند ۳ و ۱۲ اصل سوم، اصل دهم، اصل بیست و نهم، اصل سی‌ام و بند ۱ و ۲ اصل چهل و دوم قانون اساسی ؛ بند ۳ و ۴ سیاست‌های کلی نظام در بخش مسکن ؛ بند ۱ و ۲ سیاست‌های کلی نظام در اشتغال ؛ بند ۱۲ سیاست های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی ؛ بند ۸- ۴ سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش ؛ بند ۸، ۱۱ و ۱۲ سیاست‌های کلی خانواده ؛ بند ۶ سیاست‌های کلی تامین اجتماعی
۱۴	کاهش وابستگی به بودجه	اصل چهل و چهارم قانون اساسی ؛ سیاست‌های کلی نظام در بخش امنیت اقتصادی ؛ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ؛ بند ۴ سیاست‌های کلی نظام در بخش مالی ؛ بند ۶ و ۹ سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نتیجه‌گیری

بودجه، به مثابهٔ نقشهٔ راه مالی دولت، مهم‌ترین و اساسی‌ترین سند مالی یک نظام حقوقی به شمار می‌رود و یکی از اصلی‌ترین ابزارها جهت برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، هدایت، و کنترل فعالیت‌های دولت و مؤسسات عمومی و حتی نهادهای خصوصی به حساب می‌آید. این اعطای ابتکار به دولت در عمدهٔ کشورها از جهت برخورداری قوهٔ مجریه از حاکمیت امر ادارهٔ عمومی و گستردگی وظایف و اختیارات و نقش اساسی است که در هدایت و نظارت بر دیگر نهادها دارد و به همین سبب توان بالایی در تجمیع نیروی تخصصی و فنی و کارشناسی ناظر به تصمیمات و سیاست‌های خود دارد که مجموعاً این امکان را به دولت می‌دهد که سنجش و پایش معتبر و مستند و مداومی از مجموع درآمدها و هزینه‌های عمومی داشته باشد و بتواند جامع‌ترین سند مالیهٔ عمومی را تهیه کند.

از طرفی حکمرانی یک کلیت به‌هم‌پیوسته است و دستگاه‌های اجرایی که منتسب به حکومت هستند یا از بودجهٔ دولتی و اموال و امتیازهای عمومی استفاده می‌کنند باید در پرتو طرح کلی حکمرانی و سیاست‌های کلان حکومت نقش‌آفرینی کنند. به عبارت دیگر، هر دستگاه و نهاد به هر نحوی از بودجهٔ عمومی ارتزاق می‌کند لازم است متناسب با توان و امکان و بسته به وظایف و اختیاراتی که بر عهده دارد درصدد احقاق اهداف دولت بربیاید. در این میان اگر طرح و تکلیف عمومی حکمرانی و تمرکز دولت و به‌خصوص غایت بودجهٔ عمومی متکی بر فقرزدایی از جامعه باشد، باید همهٔ دستگاه‌های بهره‌مند از بودجهٔ دولتی با هدف فقرزدایی جهت‌گیری و اقدام کنند؛ ضرورتی که با توجه به نابرابری‌های متعدد اقتصادی و اجتماعی موجود در زمانهٔ معاصر بیش از پیش متوجه دولت‌هاست.

این نوشتار با ادعای استفاده از ابزار بودجه جهتِ فقرزدایی و نیل به عدالت اجتماعی و فرض امکانِ تهیه و تصویب بودجه‌ای فقرزدا که منجر به از میان برداشته شدن زمینه‌ها و علل و عوامل تولید و تقویم و ترویج و توسعهٔ فقر می‌شود، مبتنی بر مطالعات مسبوق و میان‌رشته‌ای و در سطحی راهبردی و کاربردی و فارغ از درنظرگیری مباحث نظری و پشتوانه‌های معرفتی مختص هر مکتب مالی‌ـاقتصادی و اقتضائات بودجه‌ریزی مخصوص هر نظام سیاسی‌ـحقوقی، صورت گرفته است.

یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که راهبردها و تدابیری چون «کاهش هزینه‌های

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

غیرضروری و زائد»، «شفافیت بودجه»، «شاملیت و تفصیلی بودن بودجه»، «هماهنگ‌سازی و وحدت‌بخشی نهادهای فقرزدا»، «معطوف‌سازی»، «پیوست فقرزدایی»، «منطقه‌گرایی و محلی‌سازی»، «توزیع عادلانه و تقلیل یارانه‌های پنهان»، «هوشمندسازی مالیات»، «عادلانه‌سازی حقوق و دستمزد»، «تسهیل دسترسی به خدمات و اعتبارات مالی»، «مردمی‌سازی بودجه»، «توانمندسازی»، و «کاهش وابستگی» می‌توانند به هنگامهٔ بودجه‌ریزی در همهٔ مراحل آن مورد توجه حکومت‌ها قرار گیرند و نقش مهمی در زدودن چهرهٔ فقر از جامعه به وسیلهٔ ابزار اداری بودجه ایفا کنند.

البته هر یک از عناصر یادشده بایسته و شایسته است به صورت مجزا و مفصل مورد مطالعه و پژوهش مستقل قرار گیرند و هر یک از منظر مکاتب اقتصادی و نظام‌های مالی مرتبط با بودجه‌ریزی بررسی شوند. چون جهت کاربست این راهبردها و تطبیق آن بر هر کشوری لازم است امکانات و قابلیت‌ها و از طرف دیگر کاستی‌ها و محدودیت‌های نظام حقوقی و اقتصادی آن کشور شناسایی شود تا امکان تحقّق و میزان قبض و بسط هر یک مشخص شود و در پرتو آن روش‌ها و ساختارهای متناسبی برقرار شود تا تدابیر و راهبردهای بیان‌شده در پژوهش توان اجرایی شدن و تحقق یافتن را پیدا کنند. تحقیق در اسناد بالادستی ایران‌زمین نیز از آن حکایت می‌کند که راهبردهای ارائه‌شده در این پژوهش این ظرفیت را خواهند داشت تا در برنامهٔ بودجهٔ عمومی ایران تدارک یابند.

یادداشت‌ها

1. rhetoric
2. meta-analysis
3. Magna Carta

۴. مجموعهٔ شاخص توسعهٔ انسانی برنامهٔ توسعهٔ ملل متحد UNDP_ نظیر HDI، HPI، شاخص فقر آلکایر و فاستر MPI، و ...ـ برای مطالعهٔ بیشتر ← باقری، ف. و حیدری، خ. و خدادادکاشی، ا. (۱۳۸۱). *اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران: کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر، شاخص فقر*. تهران: پژوهشکدهٔ آمار؛ ضرغامی، س. (۱۳۹۶). *تخمین شاخص فقر چندبعدی برای ایران به روش آلکایر_ فاستر و مقایسهٔ روند آن با شاخص فقر تک‌بعدی*. [پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد]. دانشگاه صنعتی شریف.

۵. در مقابل معنای مورد نظر نوشتار حاضر از کلمهٔ فقر، با توجه به مشترک لفظی بودن این کلمه، معانی دیگری از فقر نیز در سنت‌های دینی و عرفانی وجود دارد که در افقی معرفتی و حقیقی بازنمایی می‌شود؛ فقر نفس، فقر وجودی انسان، فقر شریعتی، فقر طریقتی، فقر ذاتی، و فقر معنوی، چنان‌که در آیات قرآن، روایات، نصوص عرفانی، و اشعار شعرای پارسی‌زبان مطمح نظر بوده است. بنابراین در پرتو وجههٔ نظری دیگر نحوی از فقر

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌تواند ممدوح یا رنجی مقدس قلمداد شود. جهت نمونه ← عنبری، م. و پیری، ص. (۱۳۹۶). بازنمایی «فقر» در رسائل و متون تاریخی ایرانی. *نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، د ۶، ش ۲؛ طاهری، ف.س. و پاکدل، م. (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل رسم فقر بر پایهٔ متون منثور عرفانی تا قرن هفتم هجری. *متن‌شناسی ادب فارسی*، د ۱۱، ش ۲؛ دزفولیان، ک. (۱۳۸۰). «فقر» و «کفر» در ادبیات عرفانی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران. شمارهٔ ۲؛ دانش‌پژوه، غ.ر. و بیرانوند، ن. (۱۳۹۳). مفهوم فقر عرفانی در غزلیات شمس و مثنوی مولانا. *مطالعات آینده‌پژوهی*، ش ۹.

6. Lewis Oscar
7. https://www.sharghdaily.com/fa/tiny/news-259554intelligibility

۸. اگرچه حتی اگر اکثر مجرمان و منحرفان فقیر باشند، اکثر فقرا مجرم و منحرف نیستند! به نظر می‌رسد برای بحث از فقر و فقرزدایی با توجه به ماهیت فقر مدرن در زمانهٔ اقتصاد سرمایه‌داری و غلبهٔ ایدئولوژی نئولیبرالیسم نیازمند زبان و بیانی جدید هستیم که در آن نگرشی غیر انسانی، استعلایی، استکباری، و اقتصادی به انسان‌های مواجه با معضل فقر در میان نباشد و فقرزدایی نه صرفاً به قصد توسعهٔ پایدار، بلکه برای اقامهٔ عدالت و احیای زندگی کرامتمندانهٔ ایشان مد نظر باشد.

9. poverty alleviation

۱۰. البته امکان زدودن مطلق فقر ممکن نیست و این تمنا فراتر از مقدورات و اختیارات بشری است و با واقعیت‌های اقتصاد معاصر و تاریخ زندگی انسان همراهی ندارد؛ چه فقر مدرن خود مولود جهان مدرن است و این جهان، بدون وجود نحوی فقر، پیش نمی‌رود. برای مطالعهٔ بیشتر دربارهٔ چیستی و چگونگی فقر مدرن و تمایز آن با فقر سنتی و حدود امکان فقرزدایی ← رهنما، م. (۱۴۰۱). *آبروی فقر؛ وقتی فلاکت جانشین فقر می‌شود*. مترجم: نازی عظیما. تهران: مهری.

11. zero-based budgeting
12. citizens' budget
13. coordination failure
14. bureaucracy
15. supplemental nutrition assistance program
16. temporary assistance for needy families
17. mahatma gandhi national rural employment guarantee act

۱۸. جهت مطالعهٔ بیشتر ← ورشو، ب. (۱۴۰۱). گزارش «راهکارها و الگوهای پیاده‌سازی تأمین مالی دیجیتال».

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

منابع

الف) کتاب

ابن‌منظور، ج. (۱۴۱۴ ق). *لسان العرب*. بیروت: دارالصادر. ج ۵.

اقتداری، ع. و تهرانی، م. و اتحاد، م. (۱۳۴۷). *بودجه*، تهران: مؤسسهٔ عالی حسابداری.

استیگلیتز، ژ. (۱۳۹۵). *بهای نابرابری*. مترجم: اسماعیل رئیسی. تهران: معارف. چ ۲.

اکبری رنانی، ح. (۱۳۹۳). *فقرزدایی در نظام ولایی*. تهران: کمیتهٔ امداد امام خمینی.

انبارلویی، م. (۱۳۸۴). *آسیب‌شناسی مالیه عمومی*. تهران: وثوق.

پژوهان، ج. (۱۳۷۳). *اقتصاد بخش عمومی*؛ مالیات‌ها. تهران: مؤسسهٔ تحقیقات اقتصادی دانشگاه تربیت مدرس.

پیرنیا، ح. (۱۳۵۲). *مالیهٔ عمومی؛ مالیات‌ها و بودجه*. چ ۸. تهران: امیرکبیر.

پورعزت، ع. و سیدرضایی، م. (۱۳۹۵). *بودجه‌بندی عدالت‌محور برای پیشرفت فرامنطقه‌ای*. تهران: الگوی پیشرفت.

جمعی از نویسندگان (۱۴۰۰). *حقوق بودجه*. تهران: پژوهشکدهٔ شورای نگهبان.

دهخدا، ع. (۱۳۹۰). *فرهنگ متوسط دهخدا*. زیر نظر جعفر شهیدی. چ ۲. تهران: دانشگاه تهران. ج ۲.

راغب اصفهانی، ح. (۱۴۰۴ ق). *المفردات فی غریب القرآن*. چ ۲. قم: دفتر نشر الکتاب.

رستمی، و. (۱۳۹۷). *مالیهٔ عمومی*. چ ۶. تهران: میزان.

رستمی، و. (۱۴۰۱). *حقوق مالیهٔ عمومی*. تهران: میزان

رضوی، س. (۱۳۸۲). *روستا، فقر، توسعه؛ روش‌ها و الگوهای مقابله با فقر روستایی*. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

عباسی، ا. (۱۳۹۳). *بودجه‌ریزی نوین در ایران*. چ ۳. تهران: سمت.

عمید، ح. (۱۳۶۴). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: امیرکبیر.

کاتوزیان، ن. (۱۳۹۱). *مقدمهٔ علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

کنت گالبرایت، ج. (۱۳۶۶). *ماهیت فقر عمومی*. مترجم: سید محمدحسن عاملی. تهران: اطلاعات.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کردبچه، م. (۱۳۹۷). *بودجه و قاعده‌مندی سیاست مالی*. تهران: مؤسسهٔ عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

گرینزپان، آ. (۱۳۸۲). *سیاست‌های فقرزدایی*. مترجم: ناصر موفقیان. تهران: مؤسسهٔ عالی پژوهش تأمین اجتماعی.

لابن، ژ. (۱۳۵۹). *جامعه‌شناسی فقر*. مترجم: جمشید بهنام. تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.

موسی‌زاده، ر. (۱۳۸۹). *مالیهٔ عمومی*. چ ۸. تهران: میزان.

مولاینیتن، س. و شفیر، ا. (۱۴۰۱). *فقر احمق می‌کند*. مترجم: سید امیرحسین طالبی. چ ۴۰. تهران: ترجمان علوم انسانی.

نفیسی، ع. (۱۳۱۸). *فرهنگ نفیسی*. تهران: خیام.

ب) مقاله

آذر، ع. و امیرخانی، ط. (۱۳۹۵). سیاه‌چاله‌های بودجه در نظام بودجه‌ریزی ایران. *مدیریت دولتی*، ۸(۴)، ۵۷۱-۵۹۰.

امینی، ا. (۱۳۸۴). دربارهٔ لایحه بودجهٔ سال ۱۳۸۵ کل کشور. *نامهٔ اتاق بازرگانی*، (۴۵۴)، ۴-۷.

پورعزت، ع. و سیدرضایی، م. و امیری، م. و آذر، ع. (۱۳۹۷). گناه‌های کشنده در بودجهٔ عمومی ایران. *مدیریت دولتی*، ۱۰(۱)، ۳۱-۵۸.

خان‌دوزی، ا. (۱۳۹۶). نقد عملکرد سیاست اقتصاد مقاومتی در ایران: بررسی پدیدهٔ شکست هماهنگی. *پژوهشنامهٔ انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۷(۹)، ۷۹-۱۰۰.

راغفر، ح. (۱۳۸۶). تله‌های فقر، محرومیت نسبی و عدالت اجتماعی. *اقتصاد و جامعه*، (۱۲)، ۱۴۴-۱۸۶.

رهنما، م. (۱۳۷۲). لزوم زبانی تازه برای فقر. *گفت‌وگو زمستان*، (۲)، ۶۳-۸۹.

زریباف، م. (۱۳۹۱). مروری بر علل فقر از منظر اقتصاد متعارف. *بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی*، (۱)، ۷-۲۶.

سرآبادانی تفرشی، ح. و تراب‌زادهٔ جهرمی، م. و سجادیه، ع. و مصطفوی ثانی، ع. (۱۳۹۹). تأملی بر اندیشه‌های آیت‌الله مهدوی‌کنی در عرصهٔ عدالت با تأکید بر بخش اقتصاد. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، (۱)، ۱۰۷-۱۵۹.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

غفاری، م. (۱۳۹۳). راهکارهای کاهش فقر: رهیافتی در اقتصاد نهادگرایی. *برنامه‌ریزی و بودجه*، ۱۹(۴)، ۲۱۵-۲۴۵.

قاهردوست، ع. و یزدانی، ح. و ناصرزاده، م. (۱۳۹۴). بررسی چگونگی تأثیر حقوق و دستمزد بر کاهش فساد اداری و مالی. *مطالعات منابع انسانی*، ۵(۱۵)، ۸۵-۱۰۸.

کارنامهٔ حقیقی، ح. (۱۴۰۰). نظریه‌های فقر: یک تحلیل تطبیقی. *پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی*، ۵(۵)، ۱-۸.

لوییس، ا. (۱۳۵۳). فرهنگ فقر. مترجم: مهدی ثریا. *نامهٔ علوم اجتماعی*، (۴)، ۱۲۴-۱۴۰.

مقصودی، ن. (۱۳۸۶). بررسی چالش‌های نظام بودجه‌ریزی کشور. *اقتصاد و توسعه*، (۱۷)، ۱۶-۲۰.

مقدم چوکامی، ن. و امیرخانی، ط. (۱۳۹۸). ارائهٔ الگویی برای شفافیت بودجه در ایران. *علوم مدیریت ایران*، ۱۳(۵۲)، ۴۱-۶۹.

نگین، و. (۱۳۸۴). نقش تأمین مالی خرد در کاهش فقر. *تأمین اجتماعی*، (۲۲)، ۴۱-۵۸.

واشقانی فراهانی، م. (۱۳۸۶). بودجه در ایران از آغاز تا امروز. *بیمه و توسعه*، (۱۲).

رئیس دانا، ف. (۱۳۷۵). در پناه این بودجه فقرزدا و عدالت پناه، مجله گزارش، (۷۱)، صص ۶۷-۷۰.

واشقانی فراهانی، م. (۱۳۸۷). بودجه در ایران از آغاز تا امروز، بیمه و توسعه، (۱۲)، صص۵۵-۵۸.

References

Books

A group of writers. (1400). *Hoquqe Boodje*, Tehran: Guardian Council Research Institute. (in Persian)

Abbasi, I. (1393). *Boodje-Rizi Novin dar Iran*, 3rd edition, Tehran: Semit. (in Persian)

Akbari Renani, H. (1393). *Faghr-Zodayi dar Nezame Velayi*, Tehran: Imam Khomeini Relief Committee. (in Persian)

Amid, Hassan. (1364). *Farhang Farsi Amid*, Tehran: Amirkabir. (in Persian)

Anbarloui, M. (1384). *Asib-Shenasi Maliye Omoomi*, Tehran: Vathouq. (in Persian)

Anwar Shah. (2007). Participatory Budgeting, World Bank Publications - Books, The World Bank Group, number 6640, December.

Blanca Moreno-Dodson & Quentin Wodon, (2008).Public Finance for

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Poverty Reduction : Concepts and Case Studies from Africa and Latin America, World Bank Publications - Books, The World Bank Group, number 6881, December.

Dehkhoda, A. (1390). *Farhange Motevasete Dehkhoda*, under the supervision of Jafar Shahidi, 2nd edition, 2nd volume, Tehran: University of Tehran. (in Persian)

Eghtedari, A, Tehrani, M and Etihad, M. (1347). *Budget*, Tehran: Higher Institute of Accounting.

Falk, Gene; McCarty, Maggie & Aussenberg, Randy Alison. Work Requirements, Time Limits, and Work Incentives in TANF, SNAP, and Housing Assistance, report, February 12, 2014; Washington D.C.

Greenspan, A. (1382). *Poverty Alleviation Policies*, translated by Nasser Moafaqian, Tehran: Higher Institute of Social Security Research.

Harvey, D. (1993). Social justice and the city. Oxford: Blackwell publishers Ltd.

Ibn Manzoor, J. (1414 AH). *Arabic language* C5, Beirut: Dar al-Sadr.

Katouzian, N. (1391). *Moghadame Elma Hoquq va Matla'e dar Nezame Hoquqi Iran*, Tehran: Publishing Company. (in Persian)

Kenneth Galbraith, J. (1366). *The Nature of General Poverty*, translated by Seyyed Mohammad Hassan Ameli, Tehran: Information.

Klugman, Jeni. (2002). A Sourcebook for Poverty Reduction Strategies. World Bank Publications: Washington

Kordbcheh, M. (1397). *Boodje va Ghaede-Mandi Siyasat Mali*, Tehran: Higher Institute of Management and Planning Education and Research. (in Persian)

Kumar, P & Chakraborty, D. (2016). MGNREGA: Employment, wages and migration in rural India.

Laban, J. (1359). *Sociology of Poverty*, translated by Jamshid Behnam, Tehran: Kharazmi publishing company.

Lee, K. H. (2004). Education, poverty and income inequality in Korea. International Journal of Educational Development.

Marco Cangiano, Alan Gelb and Ruth Goodwin-Groen (2019). Public Financial Management and the Digitalization of Payments, Center for Global Development.

Molainitan, S and Shafir, E. (1401). *Poverty Makes You Stupid*, translated by Seyyed Amir Hossein Talebi, 40th edition, Tehran: Translation of Human Sciences. (in Persian)

Mouszadeh, R. (1389). *Maliye Omoomi*, 8th edition, Tehran: Mizan. (in

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Persian)
Nafisi, A. (1318). *Farhang Nafisi*, Tehran: Khayyam. (in Persian)
Pejohan, J. (1373). *Eghtesade Bakhshe Omoomi: Maliyat'ha*, Tehran: Institute of Economic Research, Tarbiat Modares University. (in Persian)
Pirnia, H. (1352). *Maliye Omoomi, Maliyat'ha va Boodje*, 8th edition, Tehran: Amirkabir. (in Persian)
Pourezat, A and Seyed Rezaei, M. (2015). *Boodje-Bandi Edalat- Mehvar baraye Pishrafte Fara-Mantagheyi*, Tehran: Parthom al-Mahregh Publications. (in Persian)
Ragheb E, Hossein bin Muhammad bin Mufadl. (1404 AH). *Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an*, second edition, Qom: Nashral Kitab office.
Razavi, H. (1382). *Roosta, Faghr, Tose'e; Ravesh'ha va Olgoohaye Moghabele ba Faghre Roostayi*, Tehran: Center for Research and Study of Rural Issues. (in Persian)
Rostami, V. (1397). *Maliye Omoomi*, 6th edition, Tehran: Mizan. (in Persian)
Rostami, V. (1401).*Hoquqe Maliye Omoomi*, first edition, Tehran: Mizan. (in Persian)
Soares, F. V., & Soares, S. (2009). Economic growth, poverty and inequality in Brazilian metropolitan areas, 1990–2000: A decomposition analysis. Journal of Development Economics.
Stiglitz, J. (2015). *The price of inequality*, translated by Ismail Raisi, second edition, Tehran: Ma'arif.
Wildavsky, A. (1964). The politics of the budgetary process. Boston: Little, Brown and company
World bank. (1996). Poverty Reduction and The World Bank. World Bank Publications: Washington

Articles

Azar, A and Amirkhani, T. (1395). Black Hole of Budgeting in Public Budgeting System of Iran, *Journal of Public Administration*, 8 (4).
Amini, A. (1384). Darbare Boodje Sale 1385 Kolle Keshvar, *Chamber of Commerce letter*, number (454). (in Persian)
Pourezat, A, Saeid Rezaei, Miryagoub, Amiri, Mojtaba and Azar, Adel. (1397). Deadly Sins in Public Budgeting of Iran, *Journal of Public Administration*, volume 10 (1).
Khandoozi, E. (1396). Investigating the Performance of Resistance Economy Policy in Iran: A Study of the Coordination Failure, C*ritical Studies in Texts and Programs of Human Sciences*, 17 (9).
Raghfer, H. (1386). Talehaye Faghr, Mahroomiyate Nesbi va Edalate Ejtemayi, *Economy and Society*, (12). (in Persian)
Rahnama, M. (1372). Lozoome Zabani Taze baraye Faghr, *Winter*

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Conversation, (2). (in Persian)
Zaribaf, M. (1391). *Moroori bar Elale Faghr az Manzare Eghtesade Mote'aref*, Review of Economic Issues and Policies, (1). (in Persian)
Sarabadani Tafarshi, H, Torabzadeh Jahormi, M, Sajjadieh, A and Mostafavi Thani, A. (1399). Reflection on the thoughts of Ayatollah Mahdavi Keni in the field of justice with an emphasis on the economic sector, *Islamic Economic Studies*, (1).
Ghaffari, M. (1393). Poverty reduction solutions: an approach in institutional economics, *planning and budgeting*, 19 (4).
Kahirdoost, A. Yazdani, H and Naserzadeh, M. (1394). *Investigating how salaries and wages affect the reduction of administrative and financial corruption*, Human Resources Studies, 5 (15).
Haghighi Karnamei, H. (1400). Poverty Theories: A Comparative Analysis, *Journal of Research in Accounting and Economic Sciences*, 5 (5).
Lewis, O. (1353). Culture of Poverty, translated by Mehdi Soraya, *Social Sciences Letter*, (4).
Maqsoodi, N. (1386). Investigating the challenges of the country's budgeting system. *Economy and Development*, (17).
Moghadam Choukami, N and Amirkhani, T. (1398). Presenting a model for budget transparency in Iran, Iranian *Management Sciences*, 13 (52).
Nagin, V. (1384). The role of microfinance in reducing poverty, *Social Security*, (22).
Vashghani Farahani, M. (1386). Budget in Iran from the beginning to today, *Insurance and Development Magazine*, (12).

Archive of SID.ir